

چالش‌های جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دختر (ارائه یک نظریه زمینه‌ای)

سید محمدصادق مهدوی^۱، محمدرضا محمدجانی^{۲*}

چکیده

این پژوهش با استفاده از رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی و با هدف بررسی فرایند جامعه‌پذیری سیاسی دختران دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی شیراز و اصلی‌ترین کارگزاران این فرایند اجرا شده است. اهمیت فرایند جامعه‌پذیری سیاسی از آن روست که همه تفکرات و ایستارهای سیاسی افراد جامعه از خلال همین فرایند شکل می‌گیرند. روش استفاده‌شده، کیفی و از نوع گراند تئوری است و داده‌ها با کمک تکنیک مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته گردآوری شده‌اند. براساس روش نمونه‌گیری هدفمند و نیز با در نظر گرفتن اشباع نظری، ۲۰ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی شیراز در این مطالعه شرکت کردند و مصاحبه‌های عمیق با آنها انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در فضای فرهنگی‌ای که حوزه جامعه‌پذیری سیاسی در حاشیه قرار گرفته و در شرایطی که نهادهای آموزشی، رسانه، و گروه‌های دوستی نقش کارآمدی در جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دختر ندارند، نهاد خانواده به‌منزله نهادی مورد اعتماد، وظیفه فرایند جامعه‌پذیری سیاسی دختران دانشجویان را به دوش می‌کشد و سایر کارگزاران جامعه‌پذیری در این عرصه ناکارآمدند.

کلیدواژگان

جامعه‌پذیری سیاسی، دانشجویان دختر، نهاد خانواده، نهادهای آموزشی، نظریه زمینه‌ای.

d_mahdavi@yahoo.com

mohamadjaani@yahoo.com

۱. استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۱۷

مقدمه و طرح مسئله

جامعه‌پذیری در ابعاد و گستره‌های متعددی صورت می‌گیرد، به آن بخشی از این فرایند که از طریق آن افراد تازه‌وارد جامعه الگوهای مشخص سمت‌گیری و رفتار سیاسی را کسب می‌کنند، اصطلاحاً جامعه‌پذیری سیاسی^۱ می‌گویند [۸]. جامعه‌پذیری سیاسی اولین منبعی است که ایستارهای سیاسی ما را شکل می‌دهد و همچنین احساس ما را در زمینه اثرگذاری سیاسی سامان می‌بخشد [۲۳؛ ۲۷]. این فرایند ممکن است برای زنان و مردان متفاوت باشد و نتایجی متفاوت در حوزه‌های اثربخشی سیاسی، گرایش‌های سیاسی و مشارکت سیاسی به دنبال داشته باشد [۲۶]. حضور دختران و زنان در عرصه‌های مختلف نظام اجتماعی و به‌خصوص خرده‌نظام سیاست، بسیار کمتر از مردان است. همین تفاوت‌های مهم موجود بین زنان و مردان در زمینه علائق سیاسی، آرمان‌های سیاسی و اعتماد سیاسی است که ضرورت مطالعاتی در زمینه جامعه‌پذیری سیاسی را مشخص می‌کند [۲۸؛ ۴۳]. اینکه تصور دختران از دولت و نوع نگاه آن‌ها به سیاست و نظام سیاسی کدام است می‌تواند ما را در برنامه‌ریزی‌های نظام اجتماعی یاری رساند. در نتیجه بررسی فرایند جامعه‌پذیری سیاسی، برای شناخت این تصورات و ایستارها ضروری به نظر می‌رسد.

در همین زمینه، پژوهش حاضر درصدد یافتن پاسخ برای این پرسش‌هاست: زمینه‌ها و شرایط مؤثر در چالش جامعه‌پذیری سیاسی دختران دانشجو کدام‌اند؟ راهبردهای دانشجویان دختر در مواجهه با چالش‌ها چه بوده است؟ پیامدهای این وضعیت کدام‌اند؟

ادبیات تحقیق

تحقیقات داخلی اجرا شده در زمینه جامعه‌پذیری سیاسی را می‌توان در سه حوزه تقسیم‌بندی کرد: حوزه اول تحقیقاتی است که به مفهوم کلی جامعه‌پذیری سیاسی پرداخته‌اند: بررسی مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی [۲۱]، بررسی فرایند جامعه‌پذیری سیاسی [۱۷]، و سنجش میزان تحقق جامعه‌پذیری رسمی در نسل جدید بعد از انقلاب [۲۲]. این گروه از تحقیقات بیشتر توصیفی‌اند و معمولاً با یک روش کمی به گردآوری و تحلیل داده‌ها پرداخته‌اند. نکته مشترک در بیشتر تحقیقات مذکور رسیدن به این نتیجه است که جامعه‌پذیری سیاسی در نسل جدید، آن‌گونه که کارگزاران رسمی انتظار داشته‌اند، صورت نگرفته است. حوزه دوم تحقیقاتی است که به ارتباط بین جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی پرداخته‌اند. تحقیقاتی چون: عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فرهنگ سیاسی [۷]، عوامل فرهنگی مؤثر بر جامعه‌پذیری نوجوانان و جوانان [۱۶]، جامعه‌پذیری سیاسی نوجوانان تهرانی (بررسی فرهنگ سیاسی و تأثیر آن بر جامعه‌پذیری سیاسی) [۱۵]،

1. political socialization

سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی [۱۴]، جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی [۱۸]. نتیجه مشترک این گروه از تحقیقات، که با روش کمی اجرا شده‌اند، این است که فرهنگ سیاسی و فرایند جامعه‌پذیری سیاسی در ایران با نقص‌ها و کمبودهایی مواجه‌اند و در یک کنش متقابل یکدیگر را بازتولید می‌کنند. حوزه سوم تحقیقاتی هستند که هدف اصلی آن‌ها بررسی تأثیر یک یا دو کارگزار مهم بر جامعه‌پذیری سیاسی بوده است. تحقیقاتی چون: نظام آموزشی و جامعه‌پذیری سیاسی [۲۰]، تحلیل نقش معلمان بر جامعه‌پذیری سیاسی [۱۱]، نقش معلم در جامعه‌پذیری سیاسی [۳]، بررسی تأثیر خانواده بر جامعه‌پذیری سیاسی [۹؛ ۱۰]، و نقش مدرسه در بازتولید نظام سیاسی [۲]. این گروه از تحقیقات نیز، که همانند دو گروه قبلی با روش کمی اجرا شده‌اند، عمدتاً به بررسی نقش یک یا دو کارگزار بر فرایند جامعه‌پذیری سیاسی پرداخته و موانع تأثیر کارگزاران بر فرایند را برشمرده‌اند. نتیجه مشترک همه آن‌ها هم اشاره به تأثیر نسبی کارگزار و موانع ساختاری موجود در فرایند تأثیرگذاری مناسب و عمیق کارگزاران است.

در تحقیقات خارجی، تغییر نگرش و جامعه‌پذیری سیاسی [۳۷] جامعه‌پذیری سیاسی و آینده سیاست [۳۰] دو تحقیق مطرح‌اند که در زمینه جامعه‌پذیری سیاسی دختران اجرا شده‌اند. این دو مقاله بیشتر به حوزه نظری مفهوم پرداخته‌اند و بر لزوم توجه به تغییرات اجتماعی- فرهنگی جوامع غربی و تأثیر آن‌ها بر جامعه‌پذیری سیاسی تأکید می‌کنند.

اما سه تحقیق مهم دیگر، که در ادامه مطرح می‌شود، به این نتیجه مشترک رسیده‌اند که زنان تمایل کمتری برای مشارکت سیاسی از خود نشان می‌دهند. حال این تمایل کمتر یا از ضعف آگاهی و اطلاعات سیاسی محدود زنان ناشی می‌شود (تحقیق جنسیت و جامعه‌پذیری سیاسی) [۳۹] یا ناشی از شکی است که به توانایی‌های سیاسی خود دارند (تحقیق درک جنسیتی و کاندیدا شدن سیاسی) [۲۹] یا ناشی از احساس تبعیضی است که تجربه می‌کنند (تحقیق مفهوم مشارکت سیاسی زنان در غنا) [۳۸].

ویژگی بسیاری از تحقیقات داخلی، کمی‌بودن روش آن‌هاست که برای بررسی فرایند جامعه‌پذیری سیاسی چندان مناسب نیست. در مورد تحقیقات خارجی نیز تفاوت بستر فرهنگی و اجتماعی از مهم‌ترین مواردی است که کاربردی کردن آن‌ها را با مشکل مواجه کرده است. در مجموع، با مروری بر مطالعات و تحقیقات انجام‌شده در داخل و خارج کشور و نیز روش پژوهش‌های موجود، این تحقیق، که با روشی کیفی انجام خواهد شد و از منظر سوژه‌ها موضوع جامعه‌پذیری سیاسی دختران را مورد واکاوی علمی قرار می‌دهد، می‌تواند تبیین جدیدی را مطرح کند.

روش‌شناسی تحقیق

این مقاله، همچون سایر پژوهش‌های کیفی، سه جزء یا مؤلفه دارد: گام اول گردآوری داده‌هاست که با توجه به استفاده از روش تئوری زمینه‌ای، این بخش با مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته انجام شده است. در گام دوم، که هدف تفسیر و سازمان دادن داده‌هاست، طی

مراحل کدگذاری باز، محوری و گزینشی به مفهوم‌سازی و مقوله‌سازی پرداخته‌ایم. در گام سوم نیز، گزارش کتبی کار و مدل تحقیق ارائه شده است. شایان ذکر است که پارادایم و شرایط علی به‌منزله دو مفهوم خاص تئوری زمینه‌ای در راستای همین سه گام استفاده شده‌اند [۴؛ ۱].

در این تحقیق، از شیوه نمونه‌گیری نظری^۱ استفاده کرده‌ایم. به منظور رسیدن به حداکثر تنوع در نمونه‌ها نیز سعی شده افراد نمونه از گروه‌های تحصیلی مختلف انتخاب شوند و افرادی مورد مصاحبه قرار گیرند که از نظر طبقه اجتماعی، سن، و وضعیت تأهل و اشتغال با یکدیگر متفاوت باشند. مشارکت‌کنندگان تحقیق را ۲۰ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز تشکیل می‌دهند. در واقع با این افراد، که در گروه سنی ۱۸ تا ۲۸ ساله قرار داشتند، مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته انجام شده است. این گروه سنی، علاوه بر اینکه گروه سنی معمول دانشجویان است، گروه سنی بسیار مناسبی برای تحقیق در حوزه جامعه‌پذیری است. جفری جنسن آرنه [۲۴] در نظریه «آغاز بزرگسالی»^۲ عنوان می‌کند که: مهم‌ترین مرحله‌ای که در فرایند جامعه‌پذیری وجود دارد: بین دو مرحله نوجوانی و بزرگسالی است. او این مرحله را «آغاز بزرگسالی» نام گذاشته است که مهم‌ترین اهداف جامعه‌پذیری- خودتنظیمی، توسعه ارزش‌ها و عقاید و یادگیری مهارت‌های ارتباطی و نقشی- در این مرحله تکمیل می‌شوند. یعنی نه مشکل مرحله نوجوانی را دارد که هنوز این جریان‌ها شروع نشده‌اند و نه مشکل مرحله بزرگسالی را دارد که این جریان‌ها تا حدودی به ثبات رسیده‌اند.

از آنجا که روش تحقیق تئوری زمینه‌ای به دنبال فهم دنیای افراد از نگاه خودشان است، مصاحبه بهترین و معمول‌ترین روش گردآوری داده‌ها در این روش است [۲۵]. بر همین اساس، در این تحقیق داده‌ها با استفاده از ۲۰ مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته گردآوری شده‌اند. در این پژوهش، برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل مقایسه مداوم استفاده شده است. مقایسه مداوم در اصل مدلی است که در آن، اطلاعات جمع‌آوری می‌شوند و مرتباً با مقوله‌ها مقایسه می‌شوند [۴۱]. به عبارت دیگر، برای تحلیل داده‌ها از مسیر و مفاهیم استراس و کربین سه شیوه کدگذاری (باز، محوری، و گزینشی) و مدل پارادایمی که دربرگیرنده شرایط علی و زمینه‌ای، پیامدها، و استراتژی‌هاست استفاده شده است. در تحقیقات کیفی، به جای معیارهای اعتبار^۳ و پایایی^۴، قابلیت اعتماد^۵ یا اعتمادپذیری به کار می‌رود که در اینجا از سه تکنیک تحلیل موارد خلاف^۶، مقایسه تحلیلی^۷ و تکنیک ممیزی استفاده کرده‌ایم.

1. theoretical sampling
2. emerging adulthood
3. validity
4. reliability
5. trustworthiness
6. negative case analysis
7. analytical comparison

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، ابتدا همه مصاحبه‌ها به متن تبدیل و سپس در سطح عبارت خرد شدند. در مرحله کدبندی باز، که نخستین مرحله تحلیل داده‌های تئوری زمینه‌ای است، مفاهیم بسیاری استخراج شد که در مرحله دوم به کشف مقولات تحقیق انجامید. در مرحله سوم، کدبندی گزینشی انجام و مقوله هسته استخراج شد و در محور تحلیل‌های پژوهش حاضر قرار گرفت. پس از این مرحله و با تعیین ارتباط سایر مقولات با مقوله هسته، فرایند تحلیل^۱ صورت پذیرفت. در ادامه، توصیفی از وضعیت مشارکت‌کنندگان در مطالعه ارائه می‌شود.

جدول ۱. مشخصات شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌های پژوهش

ردیف	سن	رشته تحصیلی	سطح تحصیلات	نام مستعار
۱	۲۲	حقوق	دانشجوی کارشناسی	نوشین
۲	۲۲	نمایش	دانشجوی کارشناسی	حسنی
۳	۲۸	علوم سیاسی	دانشجوی کارشناسی	فاطمه
۴	۲۲	علوم سیاسی	دانشجوی کارشناسی	غزل
۵	۲۵	زبان انگلیسی	دانشجوی کارشناسی	مریم
۶	۲۸	مدیریت آموزشی	دانشجوی کارشناسی	جمیله
۷	۲۲	زبان انگلیسی	دانشجوی کارشناسی	زهل
۸	۲۵	علوم سیاسی	دانشجوی کارشناسی	سمیرا
۹	۲۱	مدیریت بازرگانی	دانشجوی کارشناسی	مهناز
۱۰	۲۲	ادبیات عرب	دانشجوی کارشناسی	مرضیه
۱۱	۲۳	فقه و حقوق	دانشجوی کارشناسی	معصومه
۱۲	۲۰	حقوق	دانشجوی کارشناسی	مینا
۱۳	۲۵	مدیریت آموزشی	دانشجوی ارشد	نادره
۱۴	۲۱	حسابداری	دانشجوی کارشناسی	نجمه
۱۵	۲۷	علوم سیاسی	دانشجوی ارشد	ندا
۱۶	۲۵	نمایش	دانشجوی کارشناسی	نیکا
۱۷	۲۷	علوم سیاسی	دانشجوی ارشد	ساره
۱۸	۲۶	مهندسی آبیاری	دانشجوی ارشد	شبهانگ
۱۹	۲۰	نمایش	دانشجوی کارشناسی	زهره
۲۰	۲۷	حقوق	دانشجوی ارشد	ساناز

شرایط علی

انفعال نسبی نهادهای آموزشی (مدرسه و دانشگاه)

متأسفانه در سال‌های اخیر و با بالا گرفتن تب کنکور، نهادهای آموزشی بیشتر توان خود را صرف آموزش‌های کنکوری می‌کنند و در حوزه‌های پرورشی، که فرایندهایی چون جامعه‌پذیری را هدایت می‌کنند، تأثیرگذاری درخور توجهی ندارند. به علاوه اینکه در حوزه آموزش نیز، ریاضیات و علوم تجربی همواره بر رشته‌های انسانی ترجیح داده شده‌اند [۲]. بیشتر سوژه‌های مطالعه بر این باور بودند که: «بیشتر وقت مدرسه صرف تموم کردن کتاب‌ها و مباحث می‌شه که در کنکور می‌آد و اگر هم وقت اضافه بیاد، یا کلاس زبان می‌ذارن یا تست‌زنی.» سمیرا (۲۵) ساله و دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی می‌گوید:

توی مدرسه بیشتر تست کار می‌کردیم و فقط کتاب‌های درسی رو می‌خوندیم. وقت این کارها [منظور کارهای پرورشی و مرتبط با فرایند جامعه‌پذیری است] رو نداشتیم.

حسنا (۲۲) ساله و دانشجوی کارشناسی نمایش می‌گوید:

مدرسه اصلاً در زمینهٔ هنجراها و باید نیابدهای اجتماعی هیچ برنامه‌ای نداره و عملاً کاری نمی‌کنه.

بدبینی به رسانه‌ها

دختران دانشجوی بر این باورند که رسانه‌ها^۱ برای تأمین منابع مالی خود یا باید به دولت‌ها وابسته باشند یا به گروه‌های خاص، که در هر دو صورت کاملاً براساس منافع حامیان خود جهت‌گیری می‌کنند و حرف می‌زنند. جملهٔ «اون‌ها همه به نفع خودشون حرف می‌زنن» را بسیاری از سوژه‌های مطالعه عنوان کردند. سوژه‌های مطالعه همهٔ برنامه‌ها و اقدامات رسانه‌ها را در راستای اهدافی خاص ارزیابی می‌کردند و نسبت به پیام‌های رسانه‌ها جهت‌گیری بدبینانه‌ای از خود نشان می‌دادند.

ساناز (۲۷) ساله و دانشجوی ارشد حقوق عنوان می‌کند:

تلویزیون واقعیت‌ها رو نمی‌گه. هر چیز که به نفع خودشون باشه می‌گن، ماهواره هم همین‌طور، اون‌ها هم براساس منافع خودشون حرف می‌زنن و به ضرر مخالفانشون.

جمیله (۲۸) ساله و دانشجوی کارشناسی مدیریت:

همه‌اش دنبال تبلیغ هستن تا پول به دست بیارن. کی دلش به حال ما سوخته؟ اگر تلویزیون یه حرفی می‌زنه، حتماً برای حامیانش منافی داره.

۱. در اینجا منظور از رسانه شبکه‌های تلویزیونی داخل و شبکه‌های ماهواره‌ای است.

بی‌اعتمادی اجتماعی

بیشتر مصاحبه‌شوندگان از ترسی صحبت می‌کردند که در فضاهای عمومی آن‌ها را به سکوت وامی‌دارد و به نوعی از پرداختن به مباحث سیاسی منصرفشان می‌کند. آن‌ها دلیل اصلی این ترس را بی‌اعتمادی به هم‌کلاسی‌ها، استادان و کلاً به طرف‌های مقابلی می‌دانستند که در جریان کنش متقابل در حوزه عمومی با آن‌ها روبه‌رو می‌شوند. نوشین (۲۲ ساله و دانشجوی کارشناسی حقوق):

من در دانشگاه می‌ترسم بحث سیاسی بکنم، چون اصلاً فضا برام امن نیست. به بچه‌ها اعتمادی ندارم.

سمیرا (۲۵ ساله و دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی):

ما اصلاً توی دانشگاه یا محیط بیرون بحث سیاسی نمی‌کنیم. چون راستش می‌ترسیم. دوستان من هم می‌ترسن.

نبود اعتماد بین فردی در فضاهای عمومی باعث شده است که این فضاها کارآیی خود را به‌منزله بستری جهت شکل‌گیری مباحث و گفت‌وگوهای سیاسی کاملاً از دست بدهند.

شرایط مداخله‌گر

نداشتن خودباوری سیاسی

با نگاهی به آمار تعداد بانوان حاضر در مجلس شورای اسلامی (این دوره ۹ نفر) درمی‌یابیم که زنان در حوزه‌های سیاسی بسیار کمتر از مردان حضور مؤثر دارند. یکی دلایل این عدم حضور، نداشتن خودباوری سیاسی بانوان است، واقعیتی که در اظهارات سوژه‌های مطالعه نیز نمایان بود: مرضیه (۲۲ ساله و دانشجوی کارشناسی ادبیات عرب):

ما در مباحث دوستانه بیشتر درباره پسرها صحبت می‌کنیم و چیزی درباره سیاست نمی‌دونیم که بحث کنیم

(زهرا (۲۲ ساله و دانشجوی کارشناسی نمایش):

پسرها بیشتر از ما به سیاست وارد می‌شن. اصلاً ما خانم‌ها در این زمینه جرئت اظهار نظر نداریم.

کمتر بودن خودباوری سیاسی در بین دختران دانشجوی، نسبت به پسران دانشجوی در تحقیق کمی‌ای که توسط نویسندگان انجام شده معنادار شده است.

وب‌گردی‌های بی‌هدف

فضای مجازی و در پی آن گسترش شبکه‌های اجتماعی باعث شده که حتی در صورت حضور در جمع دوستان یا خانواده، کمتر علاقه و امکانی برای بحث و تبادل نظر درباره موضوعات اجتماعی و سیاسی داشته باشیم. متأسفانه کارکرد فضای مجازی بین سوژه‌های مطالعه بیشتر سرگرمی بی‌هدفی بود که هیچ کمکی به فرایند جامعه‌پذیری سیاسی آن‌ها نمی‌کرد. نجمه (۲۱) ساله و دانشجوی کارشناسی حسابداری):

من وقتی توی خونه هستم، بیشتر با تبلتم کارهای سرگرمی می‌کنم. بیرون هم که گوشی‌م هست. خوب امروز همه سرشون توی همین‌هاست دیگه.

نیکا (۲۵) ساله و دانشجوی کارشناسی نمایش):

راستش من تا بخوام فیس‌بوک و این‌ها رو چک کنم و یه سر هم به بعضی از سایت‌های مورد علاقه‌م بزنم می‌بینم دو سه ساعت شده. چقدر هم آدم خسته می‌شه دیگه حوصله چیزی ندارم.

اتفاقات مهم سیاسی

اتفاقات مهم سیاسی به‌منزلهٔ عاملی مداخله‌گر در جریان جامعه‌پذیری سیاسی دختران دانشجوی تأثیرگذار است. پررنگ‌شدن مباحث سیاسی در این مقاطع باعث می‌شود که توجه افراد به سمت مباحث سیاسی جلب شود. سمیرا (۲۵) ساله و دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی) می‌گوید:

دقیقاً بعد از اتفاقات ۸۸ بود که من درست و حسابی با سیاست درگیر شدم و فهمیدم که دولت و سیاست و این‌ها یعنی چی.

غزل (۲۲) ساله و دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی) می‌گوید:

بعد از اتفاقات ۸۸ خیلی از بچه‌ها، که درگیر مباحث سیاسی نبودند، درگیر شدند. اما بعد از مدتی همه‌چیز فراموش می‌شه.

با توجه به اظهارات سوژه‌های تحقیق، می‌توان ادعا کرد که: اتفاقات و حوادث مهم سیاسی نقشی اساسی در درگیر کردن دختران دانشجوی به سیاست دارد. این مقوله می‌تواند به‌منزلهٔ عاملی مداخله‌گر در مدل تحقیق گنج‌انیده شود. جولیاننا ساندل^۱ زمینهٔ سیاسی را یکی از کارگزاران مهم جامعه‌پذیری سیاسی در دوران مدرن می‌داند. به گونه‌ای که هرچه اتفاقات و جریان‌های سیاسی منحصربه‌فردتر باشند قدرت تأثیرگذاری بیشتری دارند [۳۵]. اما در این پژوهش این واقعیت نمودار شد: از آنجا که این وقایع ماهیتاً اتفاقی هستند تأثیراتی لحظه‌ای و

1. Julianna Sandell Pacheco

احساسی می‌گذارند و نمی‌توانند به صورت یک جریان منطقی و هدفمند فرایند جامعه‌پذیری سیاسی را هدایت کنند.

شرایط زمینه‌ای

حاشیه‌ای بودن حوزه سیاسی جامعه‌پذیری

با نگاه دقیق به اظهارات سوژه‌های مطالعه مشخص شد جریان جامعه‌پذیری سیاسی در فضای زندگی و ذهنی دختران در حاشیه قرار دارد. به‌طور کلی، موضوعاتی که به نوعی در حوزه آگاهی‌بخشی جوانان در زمینه موضوعات سیاسی می‌توانند مؤثر باشند (مثل خواندن کتاب و مجله، دنبال کردن مباحث سیاسی و اتفاقات مهم سیاسی روز، و...) چندان در سبک زندگی آن‌ها تعریف نشده بود. فعالیت‌هایی چون خواندن کتاب و مجله، که در راستای آگاهی‌بخشی سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی می‌توانند مفید باشند، در اولویت‌های ۶ و ۷ قرار دارند؛ در حالی که دیدن تلویزیون و ماهواره، گوش دادن به موسیقی و رفتن به سینما در سبک زندگی جوانان از اهمیت بیشتری برخوردارند [۶؛ ۱۲]. تقریباً همه سوژه‌های مطالعه در قالب واژه‌های متفاوت این مفهوم را می‌رساندند که: «در جمع‌های دوستی، بیشترین حرف‌ها یا درد دله یا درباره مشکلات شخصی‌ای که توی زندگی داریم؛ در مورد پدر، مادر یا دوستانمون. به سیاست کاری نداریم.»

مینا (۲۰ ساله و دانشجوی کارشناسی حقوق):

ما در جمع‌های دخترانه اصلاً کاری به سیاست نداریم. راستش اصلاً بحث سیاسی مطرح نمی‌شه.

اولویت مباحث اقتصادی

توجه بیش از حد به برنامه‌های توسعه (با رویکردی ماهیتاً اقتصادی)، غالب‌شدن گفتمان اقتصادی در فضای اجتماعی و اولویت اقتصاد در برنامه‌های سال‌های اخیر کشور موجب شده بسیاری از حوزه‌های فرهنگی و تربیتی به حاشیه رانده شوند؛ به گونه‌ای که حتی لزوم آموزش این عناصر فرهنگی از برنامه‌های جدی دولت خارج شده است. معصومه (۲۳ ساله و دانشجوی کارشناسی فقه و حقوق) و ۱۰ نفر از مشارکت‌کنندگان دیگر اظهار کردند:

توی جمع‌هامون بیشتر مباحث اقتصادی مطرح می‌شه.

یا:

توی خونه پدر و مادرم باهم بحث می‌کنن، من هم شرکت می‌کنم، ولی بیشتر بحث‌ها حول‌وحوش اقتصاد و حقوق کارمندا و این‌هاست. البته توی خونه درباره مسائل سیاسی هم بحث می‌شه، ولی توی مدرسه و جاهای دیگه نه.

راهبردها (کنش / کنش متقابل)

پناه بردن به دامان خانواده

احساس بی‌اعتمادی در فضاهای عمومی و ناتوانی مدرسه و دانشگاه در جذب دختران موجب شده که تنها نهاد مورد اعتماد آن‌ها خانواده باشد و از همین رو مباحث مرتبط با سیاست را تنها در خانه مطرح کنند. هرچند سوژه‌های مطالعه دوستان و هم‌صحبت‌هایی داشتند، تنها مرجع قابل اعتماد را خانواده ارزیابی می‌کردند. همچنان پدر و مادر و اقوام درجه یک مهم‌ترین تاثیرگذاران بر سوژه‌ها بودند و تقریباً همه آن‌ها با ترسی خاص از فضای بیرون، امنیت را در خانواده جست‌وجو می‌کردند. ضمن اینکه بیشتر آن‌ها نهادهای امنیتی را در تأمین امنیت چندان موفق ارزیابی نمی‌کردند و دیگران را نیز به چشم افرادی کمتر قابل اعتماد می‌نگریستند.

ساره (۲۷ ساله و دانشجوی ارشد علوم سیاسی):

راستش من دوستای زیادی دارم، اما خیلی بهشون اعتماد نمی‌کنم و فقط در حد بیرون رفتن و در مورد مد و این‌ها صحبت کردن. اگرهم بخوام درباره سیاست بحث کنم، فقط توی خانواده.

مهناز (۲۱ ساله و دانشجوی کارشناسی مدیریت):

نه دانشگاه و نه تلویزیون چیزی که به درد زندگی بخوره به من یاد ندادن. فقط خانواده‌ام به فکرم هستن.

برخورد انتقادی با رسانه‌ها

سوژه‌های مطالعه در انتخاب برنامه‌های رسانه به صورت گزینشی عمل می‌کردند. در این میان طنزها و سریال‌های تلویزیونی مخاطب بیشتری داشتند. از برنامه‌های خبری، بیشتر سوژه‌ها، ۲۰:۳۰ را نگاه می‌کردند چون معتقد بودند: «باز یه ذره انتقاد می‌کنه و واقیت‌ها رو می‌گه».

ساره (۲۷ ساله و دانشجوی ارشد علوم سیاسی):

من وقتی اخبار و برنامه‌های تلویزیون یا ماهواره رو نگاه می‌کنم، حرف‌هاشون رو با واقعیت محک می‌زنم و می‌سنجم ببینم درست می‌گن یا نه.

شبهانگ (۲۶ ساله و دانشجوی ارشد آبیاری):

تلویزیون که خیلی چیزها می‌گه، ولی من معمولاً این رو همیشه مد نظر دارم که اون مجری‌ای که اون طرف نشسته یا اون مهمونی که آوردن به صورت گزینشی انتخاب شدن و خیلی آزاد نیستن که هر حرفی رو بزنن. در نتیجه سعی می‌کنم خودم

حرف‌هاشون رو تحلیل کنم و با واقعیت تطبیق بدم که بیشتر مواقع هم با واقعیت جور در نمی‌آن.

اجتناب از طرح مباحث سیاسی در گروه‌های دوستی

گروه‌های دوستی معمولاً فضایی برای بحث و گفت‌وگو به وجود می‌آورند که می‌تواند در آگاهی‌بخشی و سایر حوزه‌های مرتبط با سیاست مؤثر واقع شود. اما متأسفانه مباحث مطرح‌شده در فضاهای دوستی دختران در زمینه‌هایی چون مد، پوشاک، دوستی‌های جنس مخالف و این قبیل موارد باقی می‌ماند و دختران از پرداختن به موضوعات عمیق‌تری که به مباحث سیاسی منجر شوند سر باز می‌زنند که این خود دو دلیل عمده دارد: یکی بی‌اعتمادی اجتماعی و دوم حاشیه‌ای بودن مباحث سیاسی در فضای بحث دختران.

مریم (۲۵ ساله و دانشجوی کارشناسی زبان):

ما در جمع‌های دوستی سعی می‌کنیم خوش بگذره، بحث سیاسی نمی‌کنه کسی.

مهناز (۲۱ ساله و دانشجوی کارشناسی مدیریت):

اگه موضوع سیاسی‌ای باشه، سعی می‌کنم توی خونه بحث کنم. با دوستانم بیشتر می‌خندیم و بحث‌های پراکنده می‌کنیم.

بی‌اعتنایی سیاسی

بی‌اعتنایی سیاسی^۱ یکی از ابعاد بی‌اعتنایی اجتماعی است که میزان آن در جامعه ما بالاتر از حد متوسط است [۲۲]. سوژه‌های مطالعه مشغولیت ذهنی چندانی به مباحث و امور سیاسی نداشتند و مسئولیت‌پذیری و تأثیرگذاری در حوزه سیاسی را اغلب با واژه «به من چه» از دوش خود برمی‌داشتند. مشارکت‌کننده‌ای (مریم، ۲۵ ساله و دانشجوی کارشناسی زبان) بر این باور است که: رعایت قانون و حقوق شهروندی برای من اصلاً مهم نیست.

مشارکت‌کننده دیگری (زهرا، ۲۰ ساله و دانشجوی کارشناسی نمایش) می‌گوید:

دغدغه اصلی من مستقل شدن از والدینه. سیاست به من چه ربطی داره؟

آن‌ها به هر امر سیاسی خود را بی‌اعتنا نشان می‌دادند و خود را به‌عنوان یک شهروند در قبال مباحث و موضوعات سیاسی چندان مسئول نمی‌دیدند.

پیامدها

محدود شدن مباحث سیاسی به درون خانه

از آنجا که دختران فقط در محیط خانه احساس امنیت می‌کردند، طبیعی است که مباحث سیاسی مورد نظرشان را با پدر و مادر و اقوام درجه یک در میان بگذارند. بدبینی سیاسی و بی‌اعتمادی اجتماعی باعث شده است که دختران به نهادهایی چون مدرسه و دانشگاه و همچنین گروه‌های دوستی چندان اعتماد نداشته باشند. وقتی از سوژه‌ها درباره بحث سیاسی در فضاهای عمومی، مجازی، و حتی گروه‌های دوستی سؤال می‌شد، همگی می‌گفتند ما درباره موضوعات سیاسی زیاد بحث نمی‌کنیم. اما در معدود دفعاتی که این اتفاق می‌افتد، فقط در خانه بحث سیاسی انجام می‌دهیم.

نوشین (۲۲ ساله و دانشجوی کارشناسی حقوق):

من به کسی اعتماد ندارم و مادرم گفته اصلاً به کسی اعتماد نکن. همین دوستت ممکنه جاسوس باشه، اگر هم بحث سیاسی باشه، فقط توی خونه.

جمیله (۲۸ ساله، معلم و دانشجوی کارشناسی مدیریت):

ما بحث سیاسی رو توی خونه داریم، ولی توی مدرسه با همکاران بحث سیاسی نمی‌کنیم. هر کسی این کار رو کرده، در درازمدت توانش رو داده.

مقاومت در برابر رسانه^۱

این عبارات را تقریباً همه سوژه‌ها (هریک با بیانی) عنوان می‌کردند:

من تلویزیون تماشا نمی‌کنم. اگر هم تماشا کنم، معمولاً برنامه‌های غیرسیاسی اون رو انتخاب می‌کنم و اگر هم در حوزه سیاست و اخبار سیاسی چیزی بشنوم، اصلاً باور نمی‌کنم.

من فقط گاهی اخبار ۲۰:۳۰ رو تماشا می‌کنم. اما معمولاً تلویزیون نمی‌بینم، چون معتقدم راست نمی‌گه.

حرف‌های ماهواره رو هم نمی‌تونم قبول کنم.

۱. منظور از «تلویزیون» شبکه‌های سیمای جمهوری اسلامی ایران است و برای کلیه شبکه‌های ماهواره‌ای که از خارج هدایت می‌شوند واژه «ماهواره» به کار برده شده است.

سوزدهای مطالعه در برابر پیام‌های رسانه‌ها از خود مقاومت نشان می‌دهند؛ به گونه‌ای که حتی دربارهٔ اخبار، آن‌ها دست به مقایسه می‌زدند و عملاً چیزی را باور نمی‌کردند و در بسیاری موارد از رسانه و برنامه‌هایش برداشتی متفاوت با آنچه هدف رسانه بود داشتند. مهناز (۲۱) ساله و دانشجوی مدیریت بازرگانی:

من اخبار ۲۰:۳۰ رو نگاه می‌کنم تا ببینم کجا اختلاس شده.

این‌ها همان مقاومتان هستند؛ کسانی که پیوسته قواعد بازی را، که از سوی نظام فرهنگی مسلط طراحی شده است، برهم می‌زنند [۵؛ ۱۳].

بی تأثیری نهادهای آموزشی

سال‌هاست که نهادهای آموزشی کشور ما در پاسخ به نیاز کنکوری دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها تمرکز اصلی خود را بر روی آماده‌کردن دانش‌آموزان و دانشجویانشان برای مقاطع آموزشی بعدی گذاشته‌اند و در این راه تقویت توان تست‌زنی، اصلی‌ترین راهبرد و هدف، تعریف شده و عملاً اجرا می‌شود. سوزدهای مطالعه این واقعیت را عاملی می‌دانستند که باعث شده است این نهادها وظایف و رسالت‌های پرورشی خود را فراموش کنند و عملاً تأثیری بر فرایند جامعه‌پذیری سیاسی نگذارند.

ندا (۲۷) ساله و دانشجوی ارشد علوم سیاسی:

باور کنید دختری که توی خانه نمازخون شده بوده، همچنان نماز می‌خونه. اما توی مدرسه ما تا امروز نتونستیم حتی یکی شون رو نمازخون کنیم.

جمیله (۲۸) ساله، معلم و دانشجوی مدیریت:

حرف‌های مدیر و معلمان دربارهٔ سیاست روی من هیچ تأثیری نمی‌داشت. چون می‌دونستم این‌ها حقوق‌بگیر دولت هستن و مجبورن این حرف‌ها رو بززن و تازه فهمیده بودم که خودشون هم خیلی به این حرف‌هایی که می‌زنن اعتقاد ندارن.

محوریت نهاد خانواده

مشارکت‌کنندگان مدام از تأثیر مستقیم و غیرمستقیم والدین در مقاطع مختلف فرایند جامعه‌پذیری صحبت می‌کردند. نیکا (۲۵) ساله و دانشجوی کارشناسی نمایش) اظهار می‌دارد:

من فکر می‌کنم اصلی‌ترین عواملی که من رو با نهاد سیاست آشنا کردن والدین و کلاً خانواده‌ام بودن.

غزل (۲۲) ساله و دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی) می‌گوید:

مادرم در سیاسی‌شدنم نقش اساسی داشت. بعضی وقت‌ها برای انتخاب از خانواده تأثیر می‌پذیرفتم.

حتی در برخی موارد که بین خانواده و کارگزار دیگری اختلاف پیش می‌آید، در نهایت این خانواده است که پیروز می‌شود. نوشین (۲۲ ساله و دانشجوی کارشناسی حقوق) می‌گوید:

تضاد خانواده با دوستانم باعث شد تا من دوستانم رو رها کنم.

در باره تأثیر نهاد خانواده نظریه‌های زیادی وجود دارد؛ در دهه ۶۰ میلادی تحقیقات جامعه‌پذیری سیاسی خانواده را به‌منزله یکی از کارگزاران اصلی جامعه‌پذیری معرفی می‌کردند [۳۱؛ ۳۳؛ ۴۲]. این تأکید بر نهاد خانواده فقط به آن سال‌ها محدود نشده و در سال‌های اخیر نیز تحقیقات زیادی تأثیر زیاد و نقش اساسی خانواده بر جامعه‌پذیری سیاسی را تأیید کرده‌اند [۳۲؛ ۳۴؛ ۳۶؛ ۴۰]. تقریباً همه سوژه‌های مطالعه، هم‌راستا با نتایج تحقیقات مذکور، بر این باورند که: خانواده تنها شکل‌دهنده و هدایت‌کننده نگرش‌ها و سایر جنبه‌های مرتبط با جامعه‌پذیری سیاسی‌شان است. در انفعال، غفلت، و ناکارآمدی سایر کارگزاران جامعه‌پذیری سیاسی، این خانواده است که نقش محوری در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی ایفا می‌کند.

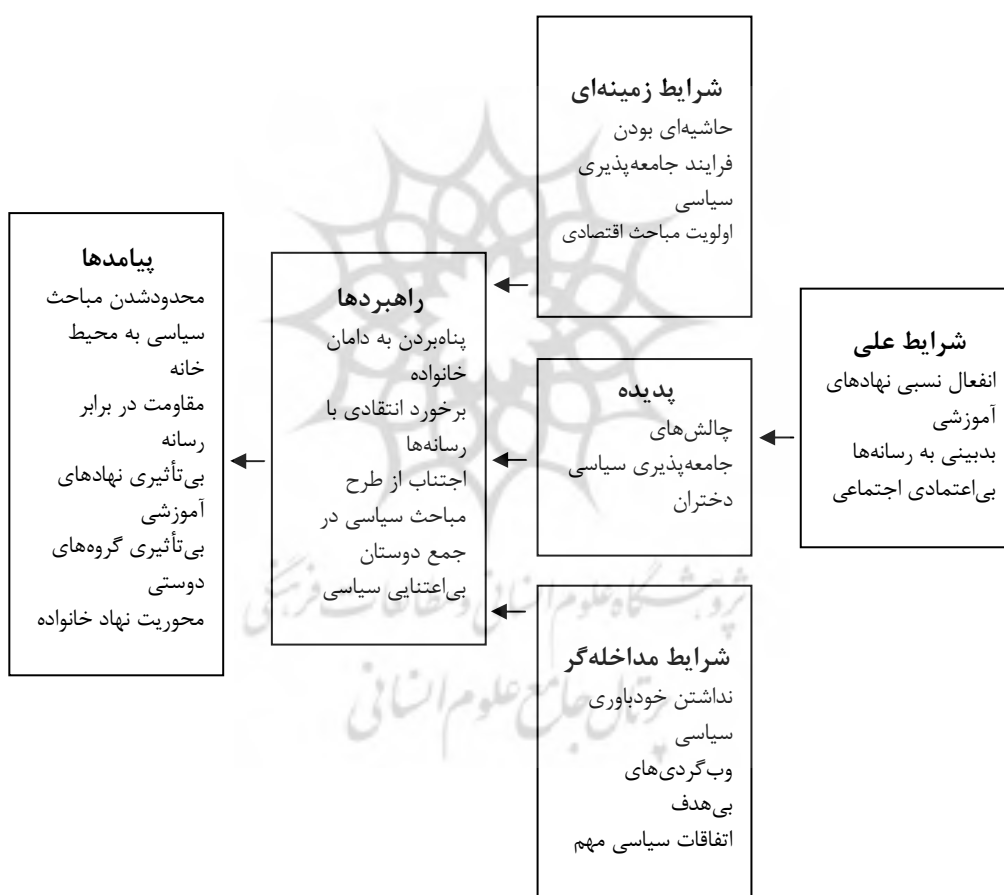
بی‌تأثیری گروه‌های دوستی

با توجه به بی‌اعتمادی اجتماعی و همچنین سطحی‌بودن مباحث دختران در گروه‌های دوستی، عملاً این گروه‌ها تأثیر درخور توجهی در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی دختران ندارند. گروه‌های دوستی به‌منزله یکی از کارگزاران مهم فرایند جامعه‌پذیری بسیار کمتر از حد مورد انتظار در این فرایند نقش ایفا می‌کنند. در اظهارات سوژه‌های مطالعه، هیچ موردی که نشان از ارتباط فرایند جامعه‌پذیری سیاسی به گروه‌های دوستی داشته باشد یافت نشد. البته سوژه‌های مطالعه از تأثیر گروه‌های دوستی بر حوزه‌های دیگر جامعه‌پذیری سخن می‌گفتند، اما در حوزه سیاسی خیر.

مقوله هسته: اعتماد سیاسی به خانواده

در شرایطی که از یک‌سو نهادهای آموزشی از مسئولیت پرورشی خود غافل شده‌اند و سوژه‌های مطالعه نیز به رسانه‌ها بدبین‌اند، عملاً دو کارگزار مهم در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی، کم‌تأثیر می‌شوند. از دیگر سو، بی‌اعتمادی اجتماعی عامل مهم دیگری است که ضمن بی‌تأثیر کردن فضاهای اجتماعی، تأثیر گروه‌های دوستی را نیز به چالش کشیده است. عواملی چون وب‌گردی‌های بی‌هدف و نداشتن خودباوری سیاسی نیز فرایند جامعه‌پذیری سیاسی دختران را

با چالش‌های جدی مواجه کرده است. در شرایطی که جامعه‌پذیری سیاسی فرایندی حاشیه‌ای محسوب می‌شود و عرصهٔ مباحث سیاسی-اجتماعی به موضوعات اقتصادی واگذار شده است، دختران دانشجو به دامان خانواده پناه می‌برند و با نگاهی انتقادی دست به گزینش رسانه‌ها و برنامه‌هایشان می‌زنند و سعی می‌کنند چندان خود را درگیر مباحث و موضوعات سیاسی نکنند. پیامد چنین راهبردهایی مقاومت در برابر رسانه‌ها، محدودشدن مباحث سیاسی به محیط خانه و بی‌تأثیری گروه‌های دوستی در فرایند جامعه‌پذیری است. تنها نهاد مورد اعتماد دختران و تأثیرگذار در این امر، نهاد خانواده است که در کنار کارگزاران ناکارآمد دیگر تا حدی ایستارها و سوگیری سیاسی دانشجویان دختر را تعیین می‌کند.



شکل ۱. مدل پارادایمیک چالش‌های جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دختر

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

فرایند جامعه‌پذیری تحت‌تأثیر کارگزاران متعددی شکل می‌گیرد و با چالش‌های متعددی از جمله انفعال نهادهای آموزشی مواجه است. مدرسه و دانشگاه درگیر ارتقای فرایندهای آموزشی مرتبط با کنکورند و با بالا گرفتن تب مدرک‌گرایی، این وضعیت به مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد نیز سرایت کرده است. رسانه‌ها، به‌منزله دیگر کارگزار فرایند جامعه‌پذیری، عملاً در جریان جامعه‌پذیری سیاسی چندان مؤثر عمل نمی‌کنند. بدبینی سوژه‌های مطالعه به رسانه‌ها موجب شده است برخوردی انتقادی در مواجهه با برنامه‌ها و پیام‌های رسانه‌ها در پیش گیرند که درنهایت به مقاومت در برابر تأثیر رسانه‌ها انجامیده است. همچنین، بی‌اعتمادی اجتماعی نیز چالشی است که از طرح مباحث سیاسی در فضاهایی به غیر از خانه جلوگیری می‌کند و فضاهای عمومی را به محیطی ناامن تبدیل می‌کند؛ که این امر خود موجب اتکای بیش از حد دختران به محیط خانه و پناه‌بردن به دامان خانواده شده است. دختران مطالعه‌شده سعی می‌کردند نسبت به مباحث سیاسی بی‌تفاوت باشند و در صورت لزوم نیز این مباحث را فقط در جمع خانواده مطرح کنند. در چنین شرایطی، حتی فضاهای دوستی نیز امنیت لازم برای طرح مباحث سیاسی را ندارند و از همین رو عملاً این کارگزار نیز ناکارآمد ظاهر می‌شود. ناامنی فضای بیرون و انفعال کارگزاری چون نهادهای آموزشی موجب شده است که علاوه بر ترس، دختران اعتماد به نفس لازم برای طرح مباحث سیاسی را نداشته باشند و اوقات فراغت خود را نیز به وب‌گردی‌های بی‌هدف و پرسه در شبکه‌های اجتماعی بگذرانند. هرچند اتفاقات مهم سیاسی تلنگری برای درگیرکردنشان به مباحث سیاسی می‌شود، به دلیل مقطعی بودن این اتفاقات، تأثیر پایداری ندارند و زود فراموش می‌شوند. در این میان، تنها نهاد مؤثری که بار سنگین جامعه‌پذیری سیاسی دختران را به دوش می‌کشد خانواده است که به‌رغم همه کاستی‌ها و ناتوانی‌های نظری و عملی، تنها کارگزاری است که در این فرایند مؤثر عمل می‌کند و دختران به‌منزله نهادی مورد اعتماد و مؤثر به آن پناه می‌برند و داشته‌هایشان را به آن نسبت می‌دهند. اما نکته اینجاست که فرایند جامعه‌پذیری سیاسی ماهیتاً باید از خانه شروع شود و با پیگیری و همراهی سایر کارگزاران تکمیل و هدایت شود که متأسفانه تنهایی خانواده در این جریان و ناکارآمدی سایر کارگزاران، بزرگ‌ترین چالشی است که فرایند جامعه‌پذیری سیاسی دختران دانشجو با آن مواجه است.

پیشنهاد این پژوهش در کوتاه‌مدت، تقویت و آموزش نهاد خانواده در زمینه جامعه‌پذیری و به‌ویژه جامعه‌پذیری سیاسی است. همچنین، در درازمدت باید سیاست‌هایی اتخاذ شوند تا ضمن فعال‌شدن نهادهای آموزشی در زمینه‌های پرورشی، رسانه نیز در سیاست‌گذاری‌های خود تغییراتی به‌وجود آورد تا مورد قبول شهروندان قرار گیرد و بتوانند به‌عنوان کارگزاری مؤثر،

تکمیل‌کننده نقش نهاد خانواده باشند. کم‌شدن اعتماد اجتماعی و به حاشیه رفتن موضوعات فرهنگی و سیاسی و پررنگ شدن مباحث اقتصادی در فضای اجتماعی از چالش‌هایی است که در صورت بی‌توجهی، مشکلات را در آینده دوچندان می‌کنند.

منابع

- [۱] استراوس، آنسلم؛ کربین، جولیت (۱۳۹۰). *مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نی.
- [۲] اطهری، سید اسدالله؛ امیرانتخابی، شهرود (۱۳۸۸). «نقش مدرسه در بازتولید نظام سیاسی»، *مجله مدیریت فرهنگی*، س ۳، ش ۳، بهار.
- [۳] اطمیابی، فریبا (۱۳۸۵)، «نقش معلم در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان»، *ماهنامه آموزشی تربیتی پیوند*، ش ۳۲۹.
- [۴] ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸). *مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- [۵] بهار، مه‌ری (۱۳۸۵). «سلطه، مقاومت و تغییر فرهنگی»، *فصل‌نامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، س ۵، بهار و تابستان.
- [۶] جعفری حجین، افسر و دیگران (۱۳۸۵). «بررسی میزان اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاه تهران با تأکید بر تربیت بدنی»، *حرکت*، ش ۲۷، بهار.
- [۷] جهانگیری، جهانگیر؛ بوستانی، داریوش (۱۳۸۰). «بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ سیاسی (مطالعه موردی افراد بیست سال به بالای شهر شیراز)»، *ش ۲، دوره ۱۶، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*.
- [۸] چیلکوت، رونالد (۱۳۹۰). *نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای*، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- [۹] حسینی، سید حسن و دیگران (۱۳۸۵). «بررسی تأثیر خانواده بر جامعه‌پذیری سیاسی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران)»، *مجله تخصصی جامعه‌شناسی*، س اول، پیش شماره اول.
- [۱۰] ذوالفقاری زعفرانی، رشید؛ علی‌نیا، علیرضا (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر نهاد خانواده و مدرسه بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان متوسطه منطقه رودهن»، *فصل‌نامه پژوهش اجتماعی*، س ۳، ش ۸، پاییز.
- [۱۱] ربانی، رسول و دیگران (۱۳۸۶). «بررسی و تحلیل نقش معلمان بر جامعه‌پذیری سیاسی

- دانش‌آموزان دوره متوسطه (مطالعه موردی منطقه پیر بکران، شهریور ۱۳۸۵)، مجله علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، ش ۴.
- [۱۲] رحمت‌آبادی، الهام؛ آقابخشی، حبیب (۱۳۸۵). «سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان»، فصل‌نامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، س ۵، ش ۲۰.
- [۱۳] رضایی، محمد (۱۳۸۴). «بحران در بازتولید هژمونی دولت از طریق گفتمان مدرسه»، پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- [۱۴] رفیع، حسین (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی»، مجله رشد علوم اجتماعی، ش ۲، دوره ۱۲.
- [۱۵] روشن، جمشید (۱۳۷۵). «جامعه‌پذیری سیاسی نوجوانان تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- [۱۶] زنگنه، محمد (۱۳۸۴). «بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر جامعه‌پذیری نوجوانان و جوانان (مطالعه موردی دانش‌آموزان مقطع راهنمایی و متوسطه استان بوشهر)»، نامه پژوهش فرهنگی، س ۸، ش ۷.
- [۱۷] سبزی‌پور، حامد (۱۳۸۷). «جامعه‌پذیری سیاسی، مروری کوتاه بر ادبیات موضوع»، مجله رشد علوم اجتماعی، ش ۴، دوره ۱۱.
- [۱۸] شیری، حامد (۱۳۸۵). «جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی (بررسی فرهنگ سیاسی دانشجویان و نقش تجربه سیاسی در شکل‌گیری آن)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.
- [۱۹] صدقاتی‌فرد، مجتبی؛ محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۹۰). «پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش: شهروندان تهرانی)»، جامعه‌شناسی کاربردی، س ۲۲، ش ۳، پاییز.
- [۲۰] غفاری، غلامرضا (۱۳۷۳). «نظام آموزشی و جامعه‌پذیری سیاسی»، فرهنگ توسعه، مرداد و شهریور و مهر و آبان، شماره‌های ۱۳ و ۱۴.
- [۲۱] کمالی اردکانی، علی‌اکبر (۱۳۷۴). بررسی مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- [۲۲] گل‌وردی، ابوطالب (۱۳۸۳). «سنجش میزان تحقق جامعه‌پذیری سیاسی رسمی در نسل جدید انقلاب (مورد مطالعه دانش‌آموزان سوم دبیرستان شهرستان اصفهان)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- [23] Almond, Gabriel A. (1960). "Introduction: A Functional Approach to

- Comparative Politics”, In Almond and James S. Coleman (eds.), *The Politics of Developing Area*, PP. 3- 64, Princeton: Princeton University Press.
- [24] Arnet, J. Jeffrey (2007). Socialization in Emerging adulthood, In Joan Grusec (Ed) *Handbook of Socialization*, The Guilford Press New York.
- [25] Birks, Melanie and Mills, Jane (2011). *Grounded Theory*, SAGE Publications Ltd. London.
- [26] Conway, M. Margaret, Gertrude Steuernagel, and David W. Ahern (1997). *Women and Political Participation*. Washington DC: Congressional Quarterly Press.
- [27] Easton, David and Jack Dennis (1969). *Children in the Political System: Origins of Political Legitimacy*, New York: McGraw Hill Book Company.
- [28] Elder, Laurel. 2004. “Why Women Don’t Run: Explaining Women’s Underrepresentation in America’s Political Institutions.” *Women & Politics*. Volume 26, Issue 2, pp 27-56.
- [29] Fox, Richard & Lawless, Jennifer (?), *Gendered Perception and Political Candidacies, A Central Barrier to the Woman’s Equality in Electoral Politics*, American university.
- [30] Hooge, Marc (2004). *Political Socialization and the Future of Politics*, university of Leuven, E, van Evenstraat, 2B, B3000, Belgium.
- [31] Jennings, M. K. & Niemi, R. G. (1974). *The political character of adolescence: The influence of families and schools*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- [32] Jennings, M. K. Stoker, L. & Bowers, J. (2001). *Politics across generations: Family transmission reexamined*. Institute of Governmental Studies.
- [33] Milbrath, L. W. (1965). *Political participation*. Chicago: Rand McNally.
- [34] Plutzer, E. (2002). *Becoming a habitual voter: Inertia, resources, and growth in young adulthood*. *American Political Science Review*, 96, pp 41–56.
- [35] Sandell Pacheco, Julianna (2008). *Political Socialization in Context: The Effect of Political Competition on Youth Voter Turnout*, Political Behavior, Springer Science+Business Media, LLC 2008.
- [36] Sandell, J. & Plutzer, E. (2005). *Families, divorce, and voter turnout*. *Political Behavior*, 27, pp 133–162.
- [37] Searing, Donald, Wright, Gerald, Rabinowitz, George (1976). *the Primacy Principle: Attitude Change and Political Socialization*, *British Journal of Political Science*, Cambridge University Press. Vol. 6, No. 1. (Jan. 1976), pp 83-113.
- [38] Sossou, Marie-Antoinette (2011). *We Do Not enjoy Equal Political Rights Ghanaian Women’s Perceptions On Political Participation In Ghana*, Sagepub.
- [39] Soule, Suzanne & Nairne, Jennifer (2006). *Are Girls Checking Out? Gender And Political Socialization In Transitioning Democracies*, *Midwestern Political Science Meeting*, Chicago.
- [40] Stolly, Kathy. (2005). *The Basics of Sociology*, Greenwood press, 88 post road west, Westport, ct 06881, inc.

- [41] Strauss, Anselm and Juliet Corbin, (1998). "Basics of Qualitative Research", Second Edition, London: Sage Publications.
- [42] Tedin, K. L. (1974). The influence of parents on the political attitudes of adolescents. American Political Science Review, 68, pp 1579–1592.
- [43] Verba, Nancy Burns, and Kay Lehman Schlozman (1997). "Knowing and Caring Underrepresentation in America's Political Institutions. Women & Politics.

